

فصلنامه علمی - تخصصی فرهنگ پژوهش

شماره ۳۱، پاییز ۱۳۹۶، ویژه علوم اجتماعی

مقایسه تطبیقی روایت هالیوودی نوح با روایت قرآنی آن

تاریخ دریافت: ۹۶/۰۶/۰۷

تاریخ تأیید: ۹۶/۰۹/۱۰

ام البنین رجالی*

چکیده

انبیاء همچنان پس از هزاران سال برای انسانها مهم هستند و فهم جزئیات زندگی پیامبران برایشان آموزنده و جذاب است. همین امر سبب شده است که داستان این پیامبران دست مایه‌ی صنعت سینما قرار گیرد؛ که آخرین نمونه آن سینمایی آمریکایی نوح است. این پژوهش در راستای پاسخگویی به این پرسش است که قرآن داستان حضرت نوح علیه السلام را چگونه روایت می‌کند که به ایمان انسان منجر می‌شود در حالی که روایت هالیوودی داستان حضرت نوح، ایمان را می‌زداید؟ برای پاسخ به این سوال با روش تطبیقی، روایت قرآنی حضرت نوح علیه السلام با روایت هالیوودی آن مقایسه شد. نتیجه آنکه روایت هالیوودی نوح را به خصوص در اوج داستان می‌توان بر اساس دوگانه‌ی «حقارت مردان مومن» در برابر «رسالت زنان مدرن» توضیح داد. نوح نماد مرد مومن است و نوه‌های دختریش نماد زنان مدرن‌اند. در این فیلم، نوح به سبب ناتوانی و ضعفش به این نتیجه رسیده که برای تداوم حیات مادی، باید رسالت خود را به زنان مدرن واگذار کند. آیات پایانی سوره نوح علیه السلام در مقابل نگاه فوق بر مفهوم «بیت» به معنای گسترده، به جای تقابل زن و مرد استفاده کرده است که با توجه به آن می‌توان دوگانه «خانه مومن» در مقابل «بی‌خانمان مدرن» را مطرح کرد که خانه بیانگر امنیت و آرامش است و بی‌خانمان بر تنهایی انسان، ضلالت و آوارگی دلالت دارد. خانه مومن بر غفران و لباس بودگی (بخشش و پوشش) بنا شده است و بی‌خانمانی محصول کفران و عریان بودگی (ناسپاسی و نامستوری) است.

واژه‌های کلیدی: قرآن، ایمان، زن، تحلیل روایت، سینما، خانه.

* دانش آموخته کارشناسی ارشد رشته تبلیغ و ارتباطات فرهنگی دانشگاه باقرالعلوم (ع).

مقدمه

مفاهیم

ایمان: از ریشه امن به معنای تصدیق است. و کسی که مؤمن به خدا و پیغمبر است یعنی از خدا و پیغمبر روی نمی‌گرداند و شک نمی‌کند (ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۱۳، ص ۲۱) معنای لغوی ایمان از نظر شهید مطهری «عبارت است از تصدیق قلبی و باور درونی به خداوند و آنچه مربوط به اوست و عمل بر اساس آن باور» (فصیحی، صفری، ۱۳۸۹، شماره ۳۳، ص ۹۲)

سکولاریسم: «کلمه انگلیسی سکولار (secular) مشتق از اصل لاتینی (speculum) به معنی عصر و دوران و در قرن چهارم و پنجم به معنای (دنیا) بوده است. سکولار به کسی می‌گویند که علاقه و گرایش به امور معنوی و مذهبی ندارد. در نتیجه سکولاریسم یعنی اعتقاد بر اینکه قوانین اخلاقی و اصول آن باید با زندگی دنیوی منطبق بوده و صرفاً مطابق اصول روحانی و مذهبی نباشد.» (نژاد نجف، ۱۳۸۴، شماره ۳ و ۲، ص ۲۶۷)

روایت: در فارسی معاصر روایت به نقل قول اطلاق می‌شود. (دهخدا، ۱۳۷۷، صفحه ۱۲۲۹۷) این نقل قول می‌تواند یک جمله یا یک خبر و یا داستان باشد معین اما معنای اصطلاحی آن اشاره به سلسله رخدادها دارد. «ویستر روایت را به مثابه گفتمان یا نمونه‌ای از آن می‌داند که هدف از آن بازنمایی یک سلسله رخدادهای مرتبط به هم است. پرنس معتقد است روایت مجموعه‌ای از رخدادهای مرتبط با هم است.» (آقا بابایی، همتی، ۱۳۹۵، شماره ۱۰، صفحه ۴۶)

حمدان عدنان روایت را یکی از چهار شکل سنتی تدوین در کلام شفاهی و کتبی می‌داند که داستانی را بیان می‌کند و از آنچه که به سلسله رویدادها و تجربیات مربوط می‌شود گزارش می‌دهد که الزاماً به ترتیب وقوع نیست. (حمدان عدنان، ۱۳۹۰، سال دوم، شماره ۶، ص ۴۷۵)

فیلم‌های هالیوودی مخاطبان زیادی را در جهان جذب خود کرده‌اند و از این طریق بر روی افکار عمومی جهان نقش بسزایی دارند. گردانندگان اصلی سیاست فیلم‌های هالیوودی علاوه بر ساخت فیلم‌های مربوط به دوران معاصر، در سال‌های اخیر به ساختن فیلم‌های تاریخی مذهبی نیز اقدام کرده‌اند. یکی از این فیلم‌ها، فیلم سینمایی نوح است که به روایت داستان زندگی حضرت نوح می‌پردازد. حضرت نوح در اسلام به عنوان اولین پیامبر اولوالعزم و در یهودیت و مسیحیت از برجسته‌ترین چهره‌های تورات به شمار می‌رود. انسان با تماشای این فیلم در نهایت به پوچ بودن مسلک این پیامبر معتقد می‌شود. درحالی که با مطالعه قرآن و احادیث اسلامی به راسخ بودن حضرت نوح پی می‌برد. فیلم نوح ناخودآگاه انسان را به سمت انسان‌مداری و نفی باورهای مذهبی می‌کشد. بر خلاف روایات اسلامی که این پیامبر رابه عنوان طلایه‌دار ایمان راستین به خدا و ایستادگی در راه حق با وجود مخالفان زیاد و موافقان اندک معرفی کرده و انسان را به این سمت سوق می‌دهد که مانند این الگوی مقدس بر عقیده راستین خود مقاومت کند.

آنچه که در هر دو داستان (قرآنی و هالیوودی) مهم است نحوه روایت است. در روایت، رخدادها به گونه‌ای چینش می‌شوند که نهایتاً مخاطب را به هدف مورد نظر برسانند. حال مهم این است که چگونه می‌توان داستانی را روایت کرد که آن داستان ایمان مخاطب را افزایش دهد، یا اینکه همان داستان را به نحوی فرم‌دهی کرد که همان ایمان اولیه خود را نیز از دست بدهد و یا دچار تزلزل شود.

این پژوهش با مطالعه موردی داستان حضرت نوح در قرآن و سینمای هالیوود درصدد فهم رابطه متقابل روایت و ایمان است.

روش تحقیق

برای اینکه بتوانیم به تحلیل درست داستان حضرت نوح در قرآن و فیلم نوح دست یابیم، باید از علمی که در این جهت تنظیم شده است استفاده کرد. نام این علم همان تحلیل روایت است که در آن به علل و شناسایی دقیق تر هر کدام از این قسمت‌ها پرداخته می‌شود. برای توضیح بیشتر مطلب به معرفی اجمالی روایت و روش پژوهش در آن پرداخته می‌شود.

روایت مجموعه‌ای داستانی منسجم از شخصیتها، رویدادها و حوادث است که دارای نقطه اوج و فرود و پایان داستان است.

انواع تحلیل روایت

مدل تماتیک: در این مدل تأکید بر محتوای متن است.

مدل ساختاری: در این مدل، تأکید بر بازگو کردن است. یعنی اینکه چگونه یک روایت گر با انتخاب شیوه متفاوت روایتی به ساخت یک داستان متقاعد کننده می‌پردازد. اجزای مدل ساختاری عبارتند از:

- درآمد

- آشنایی

گره افکنی و کنش: بیانگر پیچیده شدن سیر روایت است. گره افکنی بخش جدایی‌ناپذیر داستان است و بدون آن راهی برای پرداخت داستان وجود ندارد.

ارزیابی رویدادها

پایان: مدل تعاملی: تمرکز بر تعامل و فرایند گفتگویی بین روایت‌گر و شنونده است. مدل اجرایی: با بسط تحلیلی تعاملی بر کلمات گفته شده، استعاره‌ها و اجرای «خود»، اشارت‌ها و حرکت‌ها متمرکز می‌شود.» (محمدپور، ۱۳۹۷)

مهم‌ترین مفاهیم به کار رفته در روایت

داستان: «به گفته میکی‌بل مجموعه‌ای از رخدادها است که از نظر منطقی و گاه شمارانه به هم ربط دارند و بازیگران آنها را پدید می‌آورند.» (آقایی میبیدی، ۱۳۹۲، سال چهارم، شماره ۲، ص ۱۱)

«گفتمان: همه چیزهایی که نویسنده به داستان می‌افزاید. از قبیل تغییر پیرفت زمانی، رابطه راوی با داستان و مخاطب و...»

شخصیت: کنش‌گران و بازیگرانی که دست به کنش‌هایی می‌زنند و در حل قطعی داستان نقش دارند.» (معموری، ۱۳۹۲، ص ۲۶)

«کنش: وقایعی که در یک روایت روی می‌دهد و یا آنچه شخصیت‌ها انجام می‌دهند را کنش می‌گویند.»

رخداد: چیزی که در متن اتفاق می‌افتد و منجر به امر دیگری شده و سرانجام به حل قطعی داستان می‌انجامد.

راوی: در نظریه ژرارژنت پاسخ به سؤال چه کسی می‌بیند است.

مؤلف پنهان: مؤلف پنهان از طریق کلیت همه صداها و تمام ابزاری که برای آموختن به ما برگزیده است در خاموشی به ما اطلاع می‌دهد.» (آقابابایی، همتی، ۱۳۹۵، شماره ۱۰، ص ۵۶ و ۵۵)

از آنجایی که این تحقیق یک مطالعه تطبیقی در محدوده ادیان است بعد از توضیحات مختصری در مورد روش تحلیل روایت، لازم است مطالعه تطبیقی دین نیز مختصراً توضیح داده شود.

«مطالعه تطبیقی دین شامل بررسی آگاهانه، تاریخی و نظام‌مند اختلاف‌ها و اشتراک‌ها میان ادیان می‌باشد. تطبیق فرایندی است که از گذر آن تعمیم‌ها و طبقه‌بندی‌ها پدید می‌آیند و خود مبنای هر کار علمی و تفسیری است. در روش تطبیقی نیز فرایند تطبیق از ساختاری مبنایی برخوردار است: اول آنکه باید نقطه مشترکی باشد تا مقایسه دو یا چند چیز میسر شود. دوم اینکه با توجه به آنچه مشترک است تفاوتها را نشان دهد.» (شعبانی‌پور، ۱۳۸۸، شماره ۶)

پس در این پژوهش علاوه بر تحلیل روایت هر کدام از روش‌های روایی داستان حضرت نوح، به تطبیق روایت حضرت نوح در قرآن، تورات و سپس مطابقت هر کدام از این روایت‌ها با هالیوود هم پرداخته می‌شود.

پیشینه تحقیق

ابعاد این پیشینه عبارت است از:

روایت‌شناسی داستان انبیاء در قرآن: زیرا حضرت نوح از پیامبران اولوالعزم است.

تطبیق زندگی انبیا در اسلام و یهودیت: برای اینکه روشن شود منشاء این فیلم هالیوودی، دینی است یا غیر دینی.

داستان حضرت نوح در میان اقوام و ملل دیگر: مانند مورد قبل برای اینکه منبع اصلی داستان روشن شود.

پیشینه داستان زندگی انبیا از دید هالیوود: زیرا گذشته روایت‌گری هالیوود را مشخص می‌کند.

تحقیقات در مورد شخصیت زنان در قرآن: زیرا در این داستان، خداوند زن حضرت نوح را الگوی کافران معرفی کرده است.

روایت شناسی داستان انبیا در قرآن

معموری در کتاب «تحلیل ساختار روایت در قرآن: بررسی منطقی توالی پیرفت‌ها» به تحلیل روایت داستان‌های قرآنی پرداخته است. نویسنده داستان‌های پیامبران را در سوره‌های مختلف بررسی کرده و در نهایت نتیجه جامعی از داستان‌های هر پیامبر را در پایان آورده است. محقق داستان حضرت نوح را هم کاملاً از نظر ساختاری در سوره‌های مختلف تحلیل نموده که از این جهت به پیشبرد تحقیق کمک زیادی کرده است.

خداوند در پایان‌نامه خود باعنوان «تحلیل عناصر داستان‌های کوتاه سوره هود» به سرگذشت هفت پیامبر در این سوره پرداخته است. و سه مقوله مشترک را در هر هفت داستان که عبارتند از ارسال رسول، ویژگی‌های شخصیت‌های داستان و عاقبت آنها مورد بررسی قرار داده است. راوی یعنی خداوند متعال در این داستان‌ها با استفاده از گفتگو توانسته است ویژگی‌های هر شخصیت را به خوبی توصیف نماید. و چون از این طریق می‌توان به هدف هدایت نائل آمد بخش اعظم روایت همین عنصر گفتگو است.

ترکمانی، شکوری و مهمیمنی (۱۳۹۶) در مقاله‌ای با عنوان «تحلیل روایت شناختی سوره نوح بر مبنای دیدگاه رولان بارت و ژرار ژنت» با اشاره‌ای در توضیح روایت از نظر این دو اندیشمند، الگوهای آنها را تلفیق کرده و الگوی به دست آمده را روشی مناسب برای تحلیل داستان‌های قرآنی می‌داند.

مطابقت داستان زندگی انبیا در اسلام و یهودیت

حسینی‌زاده در مقاله «کشتی نوح در قرآن، تورات، روایات اسلامی و یهودی» (۱۳۹۲) به بررسی تطبیقی داستان حضرت نوح در اسلام و یهودیت پرداخته است. در این

پژوهش جزئیات داستان به صورت مفصل در دو منبع مهم دینی مورد مقایسه قرار گرفته است. نتیجه این پژوهش نشان می‌دهد بر خلاف تورات که به جزئیات بسیار اهمیت داده است، قرآن بر محتوای معنوی آن تأکید دارد. بنابراین ما باید هر داستانی که در مورد انبیا به ما رسیده است را از نظر سند و محتوای آن دقیق‌تر بررسی کنیم.

داستان حضرت نوح در میان اقوام وملل دیگر

فضایی (۱۳۵۶) در مقاله‌ای با عنوان «طوفان نوح» کتیبه‌هایی که از سومریان و بابلیان قدیم در مورد طوفان کشف شده است را از قدیمی‌ترین نوشته‌ها در این زمینه می‌داند. قهرمان طوفان در الواح سومری که قدیم‌تر از الواح بابلی است به نام زیوگیدو^۱ است که در کتیبه‌های بابلی اوتانا پیش تیم^۲ ذکر شده است. در آخر این طور نتیجه‌گیری کرده که می‌توان منشأ روایات طوفان تورات را روایات سومری و بابلی دانست.

داستان زندگی انبیا از دید هالیوود

یاسینی در مقاله خود با عنوان «تصویر پردازی از سیمای پیامبران در سینمای هالیوود» (۱۳۹۳) به چگونگی تقدس زدایی از چهره پیامبران پرداخته است. نویسنده توضیح می‌دهد که هالیوود علاوه بر اینکه نتوانسته چهره شایسته‌ای از پیامبران ارائه دهد؛ بلکه با آمیختن ممیزات عامه‌پسند هالیوودی به میزان زیادی از تقدس آنها کاسته است.

زرقی در پایان‌نامه خود با عنوان «بازنمایی هالیوود از داستان انبیا و مقایسه تطبیقی آن با آموزه‌های قرآن و عهد عتیق (با تأکید بر فیلم‌های هجرت: خدایان و پادشاهان و فیلم نوح)» (۱۳۹۶) دیدگاه قرآن و تورات را در مورد حضرت نوح و حضرت موسی مقایسه کرده و به نقد روایت داستانی این پیامبران در هالیوود و مقایسه آن با روایات اسلامی

1 zioigido

2 Utana pishtim

پرداخته است. این تحقیق نشان می‌دهد که هالیوود سعی در نشان دادن چهره غیر واقعی پیامبران دارد و می‌کوشد آنها را انسان‌هایی بی‌رحم، مادی‌گرا، سخیف و... نشان دهد.

جزائری در مقاله «نقد فیلم نوح(۱)» (۱۳۹۴) در مورد وقایعی که برای اکران فیلم در کشورهای مختلف روی داده توضیحاتی داده و سپس به نقد روایت آن می‌پردازد. نقد فیلم گرچه خیلی خوب پیش رفته ولی ناتمام مانده است.

بررسی مشخصه‌های زنان معرفی شده در قرآن

نبی‌اللهی (۱۳۹۰) در مقاله «شخصیت پردازی زن در قرآن» به اصولی که خداوند در معرفی زنان از آن استفاده نموده اشاره کرده است. در آخر نتیجه‌گیری کرده است که در قرآن، زن همیشه پا به پای مرد در همه عرصه‌ها حضور داشته و گاهی نقش مثبت داشته مانند دختران شعیب و یا نقش منفی مانند زن حضرت نوح. در نهایت این حضور زنان همواره با رعایت جوانب اخلاقی همراه بوده است.

مجیدی، ویسی و اکبرزاده در مقاله خود با عنوان «تحلیل ساختاری داستان مریم مقدس به روایت قرآن کریم» (۱۳۹۱) الگوگیری از زندگی پیامبران و اولیای الهی را از مهم‌ترین و شناخته‌شده‌ترین روش‌های تربیتی در جوامع مختلف می‌داند که در قرآن هم مورد تأکید قرار گرفته است. از رهاوردهای مهم نویسندگان تبیین کنشهای یک زن مومن است که چگونه «حیا» می‌کند و خداوند و فرزندش از او حمایت می‌کنند. در واقع می‌توان کنش حضرت مریم علیها السلام را در اوج داستان از آنجا که همسری ندارد اما صاحب فرزند است «گفتگوی مادرانه» توصیف کرد که نه تنها با فرزندش سخن می‌گوید که با زبان فرزندش سخن می‌گوید. فرزندش پرده عفاف گفتگوی مریم و مردم است.»

داستان حضرت نوح در قرآن

در روایت قرآنی نکاتی برجسته شده است که معطوف به هدایت انسان است. در نتیجه از ذکر مطالبی مانند تعداد افراد خانواده، نحوه ساختن کشتی، چند روز ماندن در کشتی و... که تأثیری در هدایت نوع بشر ندارد، اجتناب شده است.

پاره‌های داستان

آغاز: دعوت حضرت نوح به پرستش خداوند یکتا و کنار گذاشتن بت‌پرستی
ناپایداری: پیروی نکردن مردم از حضرت نوح و تلاش بسیار حضرت برای هدایت مردم و مجادله کردن مشرکان با او و طلب عذاب از ایشان
اوج: یاری خواستن حضرت نوح از خدا و نازل شدن عذاب الهی و بالا رفتن فرزند حضرت نوح از کوه و طلب حضرت نوح از اینکه سوار کشتی شود و عدم قبول او
گره‌گشایی: سخن خداوند مبنی بر این که او عملی غیر صالح است و اهل تو نیست.
پایان: نشستن کشتی بر کوه جودی و فرورفتن آب در زمین و ایستادن آسمان از بارش و دعای حضرت برای پدر و مادرش و مؤمنانی که وارد خانه «بیت» ولایت الهی می‌شوند.

ویژگی‌های هر شخصیت در روایت قرآنی حضرت نوح علیه السلام

خدا: از ویژگی‌های خدا در این روایت اقتدار بسیار اوست. و اینکه هر کاری انجام می‌دهد در جهت هدایت بشر است. در اینجا ملاک ترحم و عدم آن، ایمان افراد است.

گاهی خدا از زبان خود خدا معرفی می‌شود:

زمانی که کشتی بر کوه جودی می‌نشیند خداوند می‌فرماید: «ای نوح! به سلامت و برکت از ناحیه ما بر تو و بر تمام امت‌هایی که با تو هستند فرود آی.» (هود ۴۸) بنابراین خداوند نسبت به مؤمنین بسیار رئوف است.

وقتی نوح غرق شدن فرزندش را می‌بیند چون وعده خدا به یادش می‌آید که فرموده بود عذاب شامل خاندانش نمی‌شود، عرض کرد: خدایا! پسر من از خاندان من است. خداوند پاسخ می‌دهد: ای نوح! او از خاندان تو نیست زیرا او عملی غیر صالح است (با این توضیح ضمن اینکه پاسخ نوح را می‌دهد محور اصلی برای همنشینی افراد را ایمان معرفی می‌کند).

خداوند خصوصیت کسانی که می‌توانند سوار کشتی شوند را ایمان مطرح می‌کند: خانواده‌ات را نیز (سوار کشتی کن) به جز آن کسی که حکم هلاکتش از ناحیه ما داده شده و همچنین افرادی که ایمان آورده‌اند.

وقتی حضرت نوح با ناراحتی از اینکه هرچه آنها را به راه حق دعوت می‌کند نمی‌پذیرند و حتی از او محقق شدن وعده‌اش یعنی عذاب را می‌خواهند شکایت کرد، خداوند ملاک غرق شدن را ستم (یا همان مقاومت در مقابل ایمان) مطرح می‌کند.

«از کسانی که ستم کردند سخن از وساطت نگو که آنان غرق شدند هستند.» (هود ۳۷)

و گاهی از زبان حضرت نوح:

وقتی گمراهان کسانی را که پیرو حضرت نوح بودند را پست نامیدند، پاسخ دادند: آنان مانند شما خدای خود را دیدار می‌کنند... اگر آنان را طرد کنم چه کسی از عذاب خدا یاری‌ام می‌کند؟ (و با این بیان توضیح دادند که ملاک برتری نزد خدا امور مادی نیست بلکه ارزشمندی را خداوند معین می‌کند).

حضرت نوح: پیامبری دلسوز که ۹۵۰ سال مردم را به توحید دعوت کرد:

حضرت نوح وقتی به فرمان خدا مشغول ساختن کشتی در آن سرزمین خشک شد، کفار ایشان را مسخره می‌کردند. حضرت نوح باز هم سعی می‌کردند آنها را متوجه آخرت کنند: به زودی خواهید دانست کسی که عذاب بر سرش می‌آید در دنیا خوار می‌شود و در آخرت گرفتار عذاب همیشگی ثابت می‌شود.

حضرت نوح که گمان می‌کرد فرزندش از ایمان آوردگان است از او خواست که داخل کشتی شود. ولی او گفت: که بالای کوه می‌رود. حضرت با شفقت تمام سعی می‌کردند او را متنبه کنند: هیچ نجاتی از عذاب جز برای کسی که خدا بر او رحم کند نیست. در این لحظه بود که موجی آمد و بین حضرت نوح و پسرش حائل شد. «با این حال حضرت در فکر فرزندش بود، زیرا او را از ایمان آوردگان می‌دانست: خدایا! پسر من از خاندان من بود و به درستی که وعده تو حق است و تو احکم الحاکمین هستی.

پیامبری که دارای استدلال‌های محکم است و با برخورد دیگران مردد نمی‌شود:

وقتی کفار علت عدم ایمان آوردن به حضرت نوح را بهانه‌هایی مثل اینکه فرقی بین او و دیگران نیست مطرح می‌کنند، حضرت به جای اینکه برتری خود را به رخ آنها بکشند می‌فرمایند: من نمی‌توانم شما را مجبور به پذیرش دعوت کنم. و در جای دیگر: من آن برتری که در نظر شماست (خزینه‌های دنیا، علم غیب، فرشته بودن) را ادعا ندارم.

مشرکان: کسانی که به جای اینکه استدلالی برای کارهایشان داشته باشند به طرف مقابل توهین کرده و دلایل نامعقول می‌آورند:

وقتی حضرت نوح قوم خود را به توحید دعوت کرد، گروهی از آنها به جای اینکه به دلایل این پیامبر خدا گوش فرا دهند و اگر شبهه‌ای بود آن را مؤدبانه مطرح کنند، ارزش‌های دنیوی را ملاک قرار می‌دادند: فقط افراد پست از تو پیروی می‌کنند، هیچ برتری در شما (حضرت نوح و مؤمنین) نسبت به خود نمی‌بینیم. (که منظور از برتری، ثروتمندی و فرشته بودن و... بود) و در آخر شروع به توهین کردند.

از آنجا که قرآن کتاب قصه‌گویی نیست مطالبی که در جهت هدایت بشر کاربردی ندارد مطرح نکرده است. در اینجا هم فقط به اینکه تعداد ایمان آورندگان قلیل بودند و مورد طعنه مشرکان قرار گرفتند و سوار و پیاده شدنشان از کشتی اشاراتی شده است. و این هم به خاطر این که مسأله نصرت خدا را به مؤمنین نشان دهد و اصل را برای داشتن جایگاه رفیع نزد خداوند داشتن ایمان معرفی کند.

داستان حضرت نوح در فیلم هالیوودی نوح

فیلم نوح (noah) در سال ۲۰۱۴ به کارگردانی دارن آرونوفسکی و با بازیگری راسل کرو در نقش نوح، جنیفر کانلی همسر نوح، ایما واتسون در نقش ایلا، و لوژان لرمین در نقش حم به نمایش در آمد. «دارن آرونوفسکی یک فیلمساز یهودی کابالایی است که در تمامی فیلم هایش از نظر شخصیت و یک مقوله‌ی کلی طرف است. شخصیت را با جنگ درونی فرد با خود روبرو میکند از جمله: زوال، پوچی، تنهایی، عشق و اعتیاد. آرونوفسکی بر فلسفه و روانشناسی احاطه جامع دارد و می‌تواند در قالب‌ها و بسترهای گوناگون حرف و اندیشه اش را بزند و نوع سینمای شخصی خود را به وضوح به نمایش بگذارد.» (اسدی و یزدانی، ۱۳۹۴ شماره ۴/۱۱ و ۴/۱۲، ص ۵۴)

آغاز داستان

اینکه اشاره کوتاهی به خلقت جهان و هبوط حضرت آدم و حوا از بهشت می‌کند. مسئله کشتن هابیل و نسل قابیل و شیث و اینکه مسئولیت اصلی نوادگان شیث یعنی همان پیامبران، حفاظت از باقیمانده آفرینش مطرح می‌شود.

ناپایداری

دیدن چیزهای عجیب توسط حضرت نوح و خواب دیدن هلاک شدن موجودات جهان و تلاش برای حفظ حیوانات و مانع شدن از دیگران - غیر از خانواده خودش و حیوانات - که سوار کشتی شوند.

اوج

باردار شدن ایلا که شبیه معجزه بود و تلاش حضرت نوح برای کشتن نوه‌های دختریش و مردد شدن بین احساسات عاطفی زنانه و انجام مأموریتش مبنی بر کشتن نوزادان دختر

گره گشایی

رها کردن مأموریت الهی و تسلیم شدن حضرت نوح در مقابل احساسات مادرانه ایلا

بایان

فرو رفتن آب و جمع شدن همه خانواده در کنار هم - البته بدون حم - و منتقل کردن رسالت الهی به نوزادان دختر و درخواست زیاد کردن نسل بشر از آنها.

ویژگی‌های پیامبر

پیامبری فراری و مخفی از مردم

پاره اول: سکانس اول: در حالی که پدر حضرت نوح در یک جای بی آب و علف مشغول معرفی نسب نوح است، هنگامی که می‌خواهد دستی را که بازوبند رسالت به همراه دارد را به دست فرزندش نزدیک کند تا اینکه رسالت منتقل شود ناگهان صدایی می‌شنوند. پدرش می‌گوید: «آدما. مخفی شو.» پدر حضرت نوح همان اول سعی می‌کند

فرزندش را که در آینده قرار است پیامبری در میان قومی باشد از انسان‌ها بترساند و او را از انسان‌هایی که سمتش می‌آیند و هنوز سخن آنها را نشنیده و نمی‌داند که چه می‌خواهند، فراری دهد.

پاره دوم، سکانس سوم: در قسمتی دیگر در حالی که نوح با فرزندانش به سمت خانه برمی‌گشتند، یکدفعه حیوانی را در حال دویدن دیدند. نوح در حالی که نگران شده به می‌گوید: «مخفی بشین» (۲بار) علت اینکه می‌خواهد پسرانش - که در آینده رسالت الهی در بین مردم به آنها منتقل می‌شود - مخفی بشوند، این است که او وقتی حیوان تیر خورده‌ای را در حال فرار می‌بیند به این نتیجه می‌رسد که انسان‌هایی به دنبال شکار آن خواهند بود که ممکن است در حال تعقیب شکار یکدفعه چشمشان به پسرانش بیفتد.

در همین پاره: سکانس پانزدهم: در حالی که صدای غرق شدن انسان‌ها می‌آید شم رو به پدر: «همشون که سرباز نیستند. پدر! اینجا جا هست.» نوح: «برای اونا جا نیست.» زیرا اصلاً برای غیر از خود و خانواده‌اش ارزشی قائل نیست.

پیامبری با برخورد غیر منطقی

پاره دوم سکانس سوم: در جواب حم که آیا گوشت حیوانات انسان را قوی می‌کند؟ به جای اینکه پاسخی قانع کننده به او بدهد با برچسب بد بودن دیگران سعی می‌کند کنجکاوای حم را مسکوت بگذارد: «فراموش کردند آفریدگار که قدرت می‌ده.» با این بیان، می‌خواهد بگوید که در زندگی باید اسباب و مسببات را نادیده گرفت و مانند متوشالح به دور از مردم زندگش کرد. از طرف دیگر حم - با توجه به فیلم - که باور کردن خوردن گوشت حیوانات برای او مشکل است، با این جواب مختصر و ثقیل هرگز قانع نمی‌شود.

سکانس ششم: در حالی که نوح و خانواده اش پشت سر فرشته رانده شده از بهشت حرکت می‌کنند، فرشته ادعای نوح - در مورد اینکه خداوند او را فرستاده - را به چالش می‌کشد: «سامیازا هرگز این ادعا را که می‌گویی صدای خدا را می‌شنوی قبول نمی‌کند»

چون اون همیشه سکوت کرده.» در اینجا برای اینکه قبح دروغگو خواندن مردان الهی شکسته شود از قول یک فرشته این سخن را می‌گوید و از طرف دیگر از طریق این بیان امکان دروغگو بودن آنها و عدم تقدسشان را به ذهن متبادر می‌سازد.

پاره سوم، سکانس اول: نسل قاییل در حالی که با حم در گوشه‌ای پنهانی با هم هستند اشتباهات نوح را به او متذکر می‌شود: پدرت... کشتی را پر از حیوانات کرد. شما را با گفتن اینکه باید به اون‌ها خدمت کنین تحقیر کرد... اونا باید به ما خدمت کنند. برتری انسان یعنی همین. « صحبت‌های بی پایه و اساس نوح موجب شد که فرزندش حم اگرچه در ظاهر در کنار آنها بود ولی مخفیانه و در فکر همراه دشمن پیامبر خدا بود.

پیامبری ناتوان



اظهار عجز پدر نوح در مقابل نسل قاییل

پاره اول، سکانس اول: وقتی در گوشه‌ای پشت تکه سنگ‌ها پدر نوح می‌خواست از طریق بازوبند رسالت را منتقل کند، ناگهان آدمهای دیگر آمدند. پدر نوح از نسل قاییل کتک خورد و زمین افتاد. وبعد که نسل قاییل با قدرت می‌گوید: «نفرین به من اگه هرچی می‌خوام به چنگ نیارم» و بعد بازوبند را از او می‌کشد. پدر نوح دستش را با حالت التماس

برای گرفتن بازوبند رسالت از او بالا می‌برد. یعنی به جای اینکه برای اثبات نبوتش معجزه‌ای بیاورد به یک بازوبند اکتفا کرده بود، و آن هم به راحتی به دست دشمنش افتاد. پدر نوح هم برای صیانت از این علامت نبوت کار مهمی انجام نداد بلکه می‌خواست این سمت مهم که با بازوبند به او منتقل شده است را با گدایی دوباره بدست آورد، که باز هم این راه نتوانست دل دشمنش را نرم کند بلکه پدر نوح را به قتل رساند. پس این صحنه فیلم، حقارت مرد مؤمن را به خوبی به تصویر کشیده است.

پاره دوم، سکانس هشتم: وقتی خانواده نوح با اطمینان به او در صحرائی تنها چادر زده‌اند و زندگی می‌کنند یکی از نگهبانان به نوح حمله می‌کند و نوح به جای اینکه محکم در مقابل او بایستد دستش را جلو می‌آورد که خود را از نگهبان حفظ کند. در نتیجه این مرد الهی و مؤمن حتی قدرت محافظت از خانواده‌اش را هم ندارد چه برسد به حفظ دین الهی از تحریف.

پاره سوم، سکانس سوم: وقتی نوح فهمید که ایلا بار دار است در حالی که بین کشتن نوه و خواسته‌های خانواده‌اش مردد بود در مناجات با خدا می‌گوید: خواهش می‌کنم (۳بار) نمی‌تونم این کار رو بکنم.» این پیامبر الهی بعد از اینکه در برابر خواسته‌های خانواده و حتی گنهکاران ایستادگی کرد در اینجا دیگر از پا در آمد و با این عبارت گویا می‌خواهد به خدا بگوید من حقیرتر از آن هستم که خواسته‌های تو را بر آورم و دیگر کم آورده‌ام.



زمانی که حضرت نوح از اجرای فرمان الهی اظهار عجز می‌کند. I cannot do this

پیامبرانی بی تفاوت در مقابل افرادی عاقل و عاطفی

پاره دوم، سکانس پنجم: در حالی که نوح و همسرش در حال تدارک سفر هستند همسرش نگران فرزندانش است: برای بچه‌ها سفر طولانی و پرخطریه. می‌تونیم بچه‌ها رو به جایی مخفی کنیم. نوح: مخفی شدن در کار نیست.» (بوسیدن فرزند توسط مادر.) سپس در حالی که از مسیری می‌گذشتند جنازه‌های زیادی دیدند. ناگهان صدای انسانی شنیدند. نوح برای اینکه ببیند صدای کیست، یک نفر را با پایش کنار زد تا ببیند زنده است یا نه. در این هنگام شم پدر را کنار دختر زخمی شده برد. همسر نوح با محبت کنار دختر نشسته بود و برای مداوای او تلاش می‌کرد. همسر نوح نگران ایلاست. ولی گویا این زخمی شدن فرد دیگری که از خانواده او نیست برای او اهمیتی ندارد، زیرا در کناری ایستاده و منتظر است که همسرش کار رسیدگی به دیگران را تمام کند.

سکانس یازدهم: ایلا که نماد زن مدرن امروزی است، از غرق شدن افراد دیگر نگران است. رو به نوح: «آخرش چی می‌شه؟» ... بعد از اینکه نوح می‌گوید همه غیر از کسانی که در کشتی اند غرق می‌شوند با بی‌اعتنایی به این مسأله می‌گوید: (رو به ایلا) «مشکل تو چیه؟ هر کاری گفته (خدا) یا کرده شم تو رو دوست داره؟» نوح به او این‌طور القا می‌کند که باید بی‌خیال بود و این مسئله به توجه ربطی دارد، وقتی که همسرت تو را دوست دارد.

پاره سوم: سکانس سوم: ایلا: بارون قطع شده، آفریدگار به بچمون لبخند زد.» گویا ایلا و بقیه خانواده قصد دارند که به طور مسالمت‌آمیز و حتی با احترام نوح را از این تصمیم سنگدلانه منصرف کنند تا اینکه جان بچه را حفظ نمایند. نوح: اگه بجت پسر باشه به جای یافت آخرین انسان خواهد بود، اگه دختر باشه اون وقت می‌تونه مادر باشه و باید بمیره. من اونو می‌کشم.» شم: دیوونه شدی؟ اون بچه منه.» در این صحنه هم برای اینکه

احترام به بزرگان دینی را به طور عینی بشکند با این گفتار شم آن را آموزش می‌دهد و این حقارت مردان مؤمن را بر زبان جاری می‌کند.

سکانس پنجم: در حالی که نوح در کشتی وسیله آتش زا تهیه می‌کند، همسرش وارد می‌شود: بیرون از اینجا می‌میرند. نوح بدون اینکه نگاهی بکند می‌گوید: اگه بمونند نمی‌میرند. همسرش پاسخ می‌دهد: بزارند بچشونو بکشی؟» ولی نوح پاسخی نمی‌دهد. همسرش با گریه می‌گوید: نوح! تقصیر منه. (در حالی که با ناراحتی داد می‌زند) من این کار رو کردم نوح! لطفاً منو مجازات کن نوح! نه بچه رو. خواهش می‌کنم. بعد در حالی که در تمام این مدت مکالمه نوح حتی نیم نگاهی هم به همسرش نمی‌کند می‌گوید: بچه مجازات نمی‌شه. ما مجازات می‌شیم، همه ما. دلم نمی‌خواد این کار رو بکنم ولی مجبورم. درد آور ولی عدالت» (بنابراین هرکس که رهبری دینی گروهی را به عهده گرفت دیگر از فکر کردن فارغ می‌شود و نمی‌توان بر روی وجدان و عقل او حساب کرد. زیرا همان‌طور که خود نوح هم گفت: مجبورند که کاری که خلاف عقل و فطرت است انجام دهند).

پیامبری متوهم و نامتعادل

پاره دوم، سکانس پنجم: وقتی که نوح خواب غرق شدن موجودات را می‌بیند وبا اضطراب از چادر بیرون زد، همسرش می‌پرسد: با تو حرف زد؟ نوح: گمان کنم.» پس نوح خودش هم مطمئن نیست آنچه را تصور می‌کند واقعاً وحی بوده یا نه. ولی با همین گمان آنچه را دیگران به آن مطمئن هستند مثل نجات انسان‌ها از غرق شدن را مردود به حساب می‌آورد.

سکانس هفتم: وقتی نوح با شم پیش پدر بزرگ رفتند که آنها را در مورد خوابی که نوح دیده بود راهنماییشان کند. می‌گوید: نوح باید اطمینان داشته باشه. اون به شیوه‌ای حرف می‌زنه که تو بفهمی. نوح: کاری که از دستم بر میاد مطمئنم ولی ندیدم چیه.» پس مطمئن هست که یک خوابی بوده ولی اینکه چه وظیفه‌ای را دارد طبق قول خودش،

مطمئن نیست. این انسان آیا پیامبر خداست یا پیامبر خواب‌هایش. بعد با داروی خواب‌آوری که پدر بزرگش به عنوان چای به او داد به خواب می‌رود و همان خواب را می‌بیند. شاید بتوان گفت علت اینکه پدر بزرگش این داروی خواب‌آور را به او داده این بوده که بقیه خوابش را ببیند شاید مطمئن شود.

پاره سوم: سکانس سوم: بعد از اینکه نوح می‌فهمد که ایلا باردار است بیرون می‌رود و در حالی که به آسمان نگاه می‌کند می‌گوید: چرا جوابو نمی‌دی؟ چرا؟» بنابراین سامیازا که گفته بود ادعای تو در مورد اینکه خدا با توسخن می‌گوید بی‌اساس است اینجا تأیید می‌شود. و مردان مؤمن آن قدر حقیرند که در توهمات خود سیر می‌کنند.

پاره پنجم، سکانس اول: نوح که افسرده شده خوشه‌ای از درخت انگور را می‌چیند و با آن شراب درست کرده و آنقدر در خوردنش افراط می‌کند که مست می‌شود. در نتیجه این مرد الهی که باید دیگران را از گناه حفظ کند خودش الگویی مجسم برای نافرمانی خداست. گناهی که او را به حالت بیهوشی و پستی برده و نمی‌داند که وضعیت خود و اطرافیانش در هنگام بیهوشی چگونه بوده است.

ویژگی‌های خداوند

خدای معاند با انسان

پاره دوم، سکانس پنجم: وقتی که نوح خواب هلاکت موجودات را می‌بیند سراسیمه بیدار می‌شود. همسرش می‌پرسد: کمکمون می‌کنه؟ نوح پاسخ می‌دهد: می‌خواه دنیا رو نابود کنه.» یعنی تو چه انتظاری از خدا داری! خدایی که می‌خواهد دنیا را نابود کند به ما کمک می‌کند؟!

سکانس هفتم: نوح مسأله نابودی جهان را که برای پدر بزرگش مطرح می‌کند، او در جواب می‌گوید: پدرم انوش می‌گفت: اگر انسان به راه خودش ادامه بده آفریدگار این دنیا

رو نبود می‌کنه.» معلوم نیست که چرا انسان اگر به راه خودش ادامه دهد اینقدر خدا ناراحت می‌شود که این دنیا را به خاطر آن نابود می‌کند. پس باید گفت در واقع خدا دشمنی خاصی با انسان دارد که منتظر است تا کار خلافی از او سر بزند تا همه جهان را به خاطر آن هلاک کند.

پاره سوم: سکانس سوم: هنگامی که نوح از بارداری ایلا با خبر می‌شود برای اینکه کشتن نوه‌اش برایش بسیار مشکل است در مناجات با خدا: اگه تا امروز هرکاری که خواستی انجام دادم. این کافی نیست؟! بعد در حالی که متنبه و تسلیم شده می‌گوید: تموم شده بدون (۳بار) «بنابراین تا اینجا هر کاری که نوح انجام داده و بعد از این انجام می‌دهد به خواسته خدا منتسب است.

ویژگی زنان

انسان‌هایی با عاطفه و معقول

پاره سوم، سکانس نهم: وقتی نوح از کشتی بالا می‌رود ایلا با گریه در حال خواباندن دختر بچه‌ها است. وقتی نوح را می‌بیند: نوح خواهش می‌کنم. اینا بچه‌های منند، نوه‌های تو! نوح با عصبانیت: نمی‌تونی جلوم را بگیری. ایلا: «ولی دارند گریه می‌کنند. بهت التماس می‌کنم نزار گریه کنون بمی‌رند». این زن مدرن این قدر انسانیت دارد که با تمام وجودش برای حفظ فرزندانش تلاش می‌کند.

پاره پنجم، سکانس چهارم: ایلا رو به حضرت نوح: چرا از خانوادت جدا افتادی؟ نوح با پشیمانی می‌گوید: چون اونا رو ناامید کردم. ایلا: واقعاً؟ (و بعد با ناراحتی آن طرف را نگاه می‌کند). اون تو رو به دلایلی انتخاب کرد نوح! شرارت انسان‌ها رو نشونت داد و می‌دونست بی‌اعتنایی نمی‌کنی. اما بعد اون خوییم نشونت داد.» (این ادعای ایلا که سکوت نوح موجب تأییدش هست که: اول شرارت‌ها را نشان داد به خصوصیت خدا اشاره دارد که

ویژگی خدا یعنی دوست داشتن زیبایی‌ها توسط او را نفی می‌نماید. ولی چون نوح سکوت کرده و متنبهانه به او گوش می‌دهد در واقع سخن او را تأیید می‌کند.

زنان مسؤول در قبال سعادت بشر

علاوه بر مواردی که به عنوان نمونه برای مطلب قبل آورده شد به موارد زیر نیز می‌توان استناد کرد:

پاره پنجم، سکانس دوم: وقتی حم قصد دارد که خانواده‌اش را رها کند، ایلا می‌گوید: مجبور نیستی بری... حم: هر اتفاقی بیفته خوشحالم که همه چیز با تو شروع می‌شه.» در اینجا نیز جنسیت ایلا یعنی مؤنث بودن او مهم شناخته شده و اینکه از این به بعد (البته مانند قبل که همه چیز با مهارت ایلا به خوبی پایان پذیرفت) مسؤولیت اداره جهان به عهده اوست.



هنگامی که حضرت نوح برای انتقال رسالت به نوه‌های دختریش، انگشت خود را به دستان آنها نزدیک می‌کند.

سکانس ششم: در حالی که همه در کنارهم جمع شدند، ولی حم درمیان آنها نیست، نوح از آفرینش می‌گوید: این حق مادر زاد به ما منتقل شد، به پدرم، بعد به من و به پسرانم... این حق مادر زاد حالا به شما می‌رسد، نوه‌های ما. این وظیفه شماست. (در حالی

که انگشتش را به دست دختر بچه‌ها نزدیک می‌کند) پس در نهایت این مردان الهی خودشان هم این حقارت را می‌پذیرند و رسالت را به عهده دختران و زنان مدرن می‌گذارند.



تابلوی آفرینش میکل آنژ (دست سمت راست به معنای دست خداست که قدرت را از طریق دست انسان به او منتقل می‌کند).

مشابهت‌هایی که بین فیلم نوح با داستان حضرت نوح در قرآن وجود دارد عبارتند از:

اینکه حضرت نوح و اجدادش از پیشوایان مذهبی بوده‌اند.

علاوه بر اینکه افراد خاصی از عذاب نجات پیدا کردند، حیوانات نیز سوای کیفیتشان در داخل شدن به کشتی از عذاب نجات پیدا کردند.

حضرت نوح فرزندی داشته که حداقل در برخی امور مخالف حضرت نوح بوده است.

حضرت نوح دشمنانی داشته که اکثریت جامعه را تشکیل می‌دادند.

عذاب از طریق طوفان وسیل بوده و نجات یافتن مؤمنان به واسطه سوار شدن

بر کشتی ساخته شده توسط حضرت نوح بوده است.

قبل از عذاب زمین دچار خشکسالی شده بود. بنابراین تصور ساختن کشتی از سوی حضرت نوح امر غریبی بوده است.

تمایزات داستان حضرت نوح در قرآن با روایت هالیوودی آن

- اینکه حضرت نوح را به عنوان فردی که تافته جدا بافته از مردم است به تصویر کشیده است. در حالی که حضرت نوح قرآنی در متن زندگی مردم بوده است.

- در فیلم، حضرت نوح برای کارهایی که انجام می‌داد هیچ استدلالی به جز آنچه گمان می‌کرد در خواب به او سپرده شده نداشت و در غیر این موارد هم به جای هدایت افراد به سکوت اکتفا می‌کرد و یا جواب غیر قانع کننده می‌داد. علی‌رغم معرفی حضرت نوح توسط خداوند که او را بسیار منطقی و مستدل برای هر اقدام و بیانش معرفی کرده است.

- حضرت نوح در قرآن نماد تفکر و دعوت کردن دیگران به تفکر بوده است، در مقابل فیلم نوح که شخصی با خواب گمان می‌کند که به پیامبری رسیده، آن هم نه از باب اینکه قومش را به سوی توحید دعوت کند بلکه مبعوث شده که یا سکوت کند، یا جواب سر بالا بدهد و یا اینکه در نهایت خبر فراگیر شدن عذاب را بدهد.

- نوح در فیلم هالیوودی نماد یه انسان سنگدل است که از هر طریق که دیگران می‌خواهند او را از کارهای سنگدلانه‌اش منصرف کنند نمی‌توانند. برخلاف روایت قرآنی که جز شفقت از حضرت نوح بیان نکرده است.

- خدایی که در فیلم است اصلاً با بنده‌اش حتی بهترین آنها حرفی نمی‌زند و آنها را در خیالاتشان رها کرده است. در حالی که خدای در قرآن کاملاً به بنده‌اش نزدیک است و او را در مشکلاتش و نگرانی‌هایش کمک می‌کند.

- در حالی که مشرکان در فیلم نماد تفکر هستند و سخنان عاقلانه می‌گویند، در قرآن بسیار دور از تعقل و منطق هستند.

- همسر نوح در فیلم نمایانده انسانی فکور است که حضرت نوح را در امر رسالتش کمک و هدایت می‌کند و در آخر برداشت اشتباه او را به روش‌های مختلف متذکر می‌شود. علی‌رغم قرآن که او را به خاطر شرک و طغیانش از غرق‌شدگان می‌فرماید.

- در حالی که سراسر فیلم تیره است و با صحنه‌ای تاریک شروع می‌شود و می‌خواهد بدی کردن انسان را امری معقول نشان دهد، - زیرا با خدای نامعقولی به سر می‌برد. - قرآن عطای نعمت در ابتدا را از سنت‌های خدا می‌داند.

- در حالی که فیلم پسران نوح را با محبت و مطیع حضرت نوح معرفی می‌کند، قرآن او را مخالف پدر و منافق معرفی می‌کند.

فیلم پیشنهادی

فیلم اسلامی که نویسنده پیشنهاد آن را داده است، بر مبنای خود قرآن و دعای حضرت نوح در سوره نوح است. وَقَالَ نُوحٌ رَبِّ لَا تَذَرْ عَلَى الْأَرْضِ مِنَ الْكَافِرِينَ دَيَّارًا (۲۶) إِنَّكَ إِن تَذَرُهُمْ يُضِلُّوا عِبَادَكَ وَلَا يَلِدُوا إِلَّا فَاجِرًا كَفَّارًا (۲۷) رَبِّ اغْفِرْ لِي وَلِوَالِدَيَّ وَلِمَنْ دَخَلَ بَيْتِي مُؤْمِنًا وَلِلْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ وَلَا تَرِدِ الظَّالِمِينَ إِلَّا تَبَارًا (۲۸) بنابراین کسانی داخل خانه پیامبر می‌شوند که مؤمن باشند. در این «خانه مؤمن» غفران و پوشش خطای مؤمنین وجود دارد. در این خانه کافران و کسانی که حق را می‌پوشانند و ظالمین جایی را ندارند. در نتیجه این خانه کاملاً برای مؤمنین امنیت دارد. این ورود در «خانه مؤمن» در پاره دوم کاملاً مشهود است. و خروج کفار و بی‌ایمانان در پاره سوم و چهارم مطرح می‌شود.

شخصیت‌های داستان: خدا، حضرت نوح، سام، حام، یافث، همسر مؤمن حضرت نوح (عموره)، همسر منافق حضرت نوح (رایعه)، دختر حضرت نوح (آسیه)، مشرکین، مرد مؤمن، پدر حضرت نوح، مادر حضرت نوح

آغاز: «اشاره به زندگی حضرت نوح قبل از بعثت با این توضیح که او شغلش نجاری بوده است. جبرائیل او را به نبوتش بشارت می‌دهد.»

ناپایداری: «حضرت نوح با گفتن لا اله الا الله قومشان را به توحید دعوت کردند. با گفتن این عبارت آتشکده‌ها خاموش شدند. ولی ستمگران قوم با او مخالفت کردند. آنها آنقدر حضرت را مورد ضرب و شتم قرار می‌دادند که به حالت اغماء می‌افتاد و آنگاه که بهوش می‌آمد چنین می‌گفت «اللهم اهد قومی فانهم لا يعلمون» یعنی خدایا قوم من را هدایت کن. همانا آنها نادانند.» (موسوی جزائری، عزیزی، ۱۳۸۰، ص ۱۴۳) و باز هم برای هدایت آنها تلاش می‌کرد. یکی از این مخالفان ضمیران بن اخنوخ بود. ولی دخترش عموره علی‌رغم تهدیدات پدرش به حضرت نوح ایمان آورد. وقتی پدرش معترض می‌شود پاسخ می‌دهد: عقل خویش را بکار بند او با اینکه مردی تنهاست اینگونه در میان شما رعب و وحشت انداخته اما وعده‌هایش در قلوب شما اثری نبخشیده است پدر، عموره را از زندانی نموده و خوراک را بر او منع نمود. عموره خود نقل می‌کند: «من در زندان به پروردگار متوسل شدم و خواسته‌هایم به وسیله نوح برآورده می‌گشت من اینک به ازدواج نوح درآمده و از او صاحب فرزندی هستم به نام سام.» حضرت نوح همسر دیگری هم به نام رایعه داشت که مخالف حضرت نوح بود. او این پیامبر بزرگ را به مردم، دیوانه معرفی می‌کرد. پدران فرزندان خود را می‌آوردند و حضرت نوح را به آنها نشان می‌دادند و به آنها می‌گفتند اگر بعد از ما زنده بودید از این دیوانه تبعیت نکنید. آن قدر معاندین قوم حضرت را آزار دادند و پیروانش را از راه خدا منحرف کردند که تصمیم گرفت مشرکان را نفرین کند. البته حضرت به درخواست تعداد زیادی از فرشتگان مقرب خداوند ۲ بار و هر بار به مدت ۳۰۰ سال به مردمش فرصت داد. اما در پایان ۹۰۰ سال همراهان نوح به نزد او آمده و

شکوه سر دادند و از ظلم طاغوتها نالیدند، ولی جوانی در قوم بود که نزد حضرت آمده و عرض کرد چه عذاب نازل شود و چه به تعویق بیفتد در ایمانش هیچ تزلزلی ایجاد نشده و همچنان به او ایمانش محکم باقی می ماند. ولی حضرت از ایمان بقیه نگران بود، بنابراین دست به دعا برداشته و گفت: بار پروردگارا از اصحاب من جز گروهی کوچک باقی نمانده است من می ترسم که آنها نیز هلاک گردند. در اینحال خداوند به او وحی فرستاد که بنده ام، دعوتت را استجاب نمودم حال به کار ساخت کشتی مشغول شوید. در واقع بین دعای حضرت نوح و طوفان ۵۰ سال طول کشید. هنگامی که ساخت کشتی نزدیک تمام شدن بود، یکدفعه از تنور آب جوشید و بالا آمد. داد. حضرت نوح به سرعت خودشان را به مسجد رساندند و با گل روی تنور را پوشاندند. با این کار حضرت، آب از جوشش ایستاد. زمانی که کارهای کشتی به اتمام رسید به سمت تنور رفتند و آن گل را برداشتند. سپس آسمان ابری شد و طوفان شروع شد. حضرت نوح به فرمان خدا همراه پیروانشان سوار کشتی شدند. حیوانات هم از هر کدام یک جفت نر و ماده به کشتی رفتند. (هود ۴۰)

اوج: حضرت نوح دید که فرزندش، حم دنبال فرار از طوفان است. به او فرمود: بیا با ما سوار کشتی شو و با مشرکان نباش. او پاسخ داد: بالای کوه می روم و در آنجا از طوفان در امانم. فرمودند: امروز هیچ پناهی از امر خدا جز برای کسی که خدا به او رحم کند نیست. «ولی حم اصلاً به سخنان پدرش اعتنایی نکرد و بی توجه به نگرانی های پدر و خواهرش با اطمینان از کوه بالا می رفت.. آسیه، حم را از سرعت بالا آمدن آب باخبر کرد. حم دید که چاره ای جز سوار شدن به کشتی ندارد. بنابراین سریع با طنابی که آسیه برای او انداخته بود، خود را بالا کشید، همینکه خواست داخل کشتی شود، یکدفعه موجی سنگین او را به طرف دیگر انداخت و او را در آب غرق کرد.

گره گشایی: حضرت نوح و خاندانش از این واقعه بسیار محزون و متعجب بودند. زیرا خداوند اهل بیت حضرت نوح را از نجات یافتگان برشمرده بود. بنابراین حضرت به خدا

عرض کرد: «خدایا پسر من از خاندان من بود و تو فرمودی که اهل من را از عذاب حفظ می‌کنی! خدا فرمود: او اهل تو نیست.» (او از منافقین بود.) سپس حضرت به خدا پناه می‌برد که از او چیزی بخواهند که در مورد آن علمی ندارند. بنابراین کسی می‌تواند از خانواده نبوت باشد که مؤمن باشد؛ وگرنه از کشتی که در واقع خانه مؤمنین بود خارج می‌شود.

پایان: مؤمنین در کشتی به تبع حضرت نوح از اوقات نماز با خبر بودند... خانم‌ها هم به تبعیت از آسیه با اینکه هلاکت خاندانشان برای آنها غم‌انگیز بود سعی می‌کردند حجب و حیای خود را در این هجمه غم‌ها حفظ کنند. کشتی دور کعبه طواف کرد و بعد از مدتی بر کوه جودی در موصل نشست. آسیه که از نجات یافتگان بود با مهلائیل (که به حضرت عرض کرده بود هرچه قدر عذاب را به تأخیر اندازی ایمان ما به تو تغییری نمی‌کند.) ازدواج نمود و از نسل آنها جمعیت روی زمین افزایش یافت.

روزی حضرت نوح در زیر آفتاب نشسته بود که ملک الموت به نزد او آمده و سلام کرد و عرض کرد: مدت نبوت تو به پایان رسیده و ایام زندگانت به سر آمده اینک اسم اکبر و علم خویش را نزد فرزندت سام به ودیعت بگذار. حضرت نوح هم همین کار را انجام داد و سپس قبض روح شد. سام و مؤمنین برای تدفین حضرت اقدام کردند و سپس در امر نبوت مطیع سام شدند. (پس رسالت الهی از بین فرزندان حضرت نوح به کسی منتقل می‌شود که دو ویژگی داشته باشد و به واسطه همین خصلت‌ها افراد دیگر از مقام رسالت محروم شوند. اول اینکه نبی باید مرد باشد. و دیگر اینکه مؤمن‌ترین فرد باشد. که با این تمایزات، حم و خواهرش ساره از این دایره نبوت خارج می‌شوند.)

نتیجه‌گیری

پیام‌های فیلم هالیوودی نوح را می‌توان این‌گونه خلاصه کرد:

- هالیوود شرط لازم برای امنیت و آرامش را کنار گذاشتن اوامر الهی و تبعیت از خواسته‌های زنانی می‌داند که بر خلاف مردان الهی می‌اندیشند و «بی‌خانمانی مدرن» را بر «خانه مؤمن» ترجیح می‌دهند. و در مقابل «حقارت مردان مؤمن» را از ویژگی‌های مخالفان طرز تفکر زنان امروزی به تصویر کشیده است.

- هالیوود با تفسیر وارونه از داستان حضرت نوح در تورات، حضرت نوح را در نابودی نسل بشر، یاور خداوند توصیف کرده است. (سفر پیدایش، صفحه ۵-۸)

- هالیوود با نشان دادن حضرت نوح به عنوان فردی منزوی و فراری از مردم، متوهم و بی‌فکر و... به این نتیجه‌گیری از سوی مخاطبان خود دست می‌یابد که چنین پیامبری به نام نوح در واقع وجود خارجی نداشته است و نهایتاً اگر وجود داشته فردی بوده است با این نام که گمان می‌کرده است پیامبر بوده در حالی که قبول کردن چنین انسانی با این ویژگی‌ها اصلاً معقول نیست. و او خودش این توهم را پیدا کرده که پیامبر بوده است. بنابراین چه بسا پیامبران دیگر نیز توهم پیامبری داشته‌اند، نه اینکه واقعاً پیامبر بوده باشند.

- مطلب مهم دیگر اینکه حال اگر بر فرض ما این انسان‌هایی که مدعی پیامبری شده‌اند واقعاً پیامبر بدانیم در مقابل زنانی قرار گرفته‌اند که از لحاظ خصوصیات با ارزش انسانی بسیار والاتر از این پیامبران و مردان الهی است که هالیوود به تصویر کشیده است. در نهایت نیز مردان الهی نیز مجبور خواهند شد «رسالت زن مدرن» را بپذیرند و مسئولیت رهبری انسان‌ها را با شرمندگی رها کرده و مانند فیلم به زنان و دختران واگذار نمایند. در مقابل این روایت هالیوودی می‌توان با تحلیل روایت قرآنی، این فیلم را نقد نمود.

- قرآن شرط وارد شدن در خانه «بیت» را ایمان به خدا معرفی کرده و بخشش و غفران را از ویژگی‌های «خانه مؤمن» برشمرده است و خروج از آن را موجب ضلالت و تنهایی می‌داند.

- قرآن، حضرت نوح را برای نجات انسان از ورطه شرک و بت‌پرستی مبعوث کرد. و حضرت نوح ۹۵۰ سال اذیت و آزار مشرکان را برای رسیدن به این رستگاری تحمل نمود.

- حضرت نوح در روایت قرآنی، مظهر عقلانیت و عطف معرفتی شده است.

- در قرآن ملاک، جنسیت نیست. ولی جایی که مصلحت بشر در میان است، رسالت به کسی واگذار می‌شود که بتواند این مسئولیت خطیر و سنگین را به انجام برساند؛ که شرط لازم و کافی برای این مسئولیت، ابتدا ایمان راسخ به خداوند و سپس صلابت و شجاعت و ویژگی‌های مثبت مردان است.

مقایسه پاره‌ها و شخصیت‌های روایت هالیوودی و قرآنی حضرت نوح

پاره‌ها روایت‌ها	اول	دوم	سوم	چهارم	پنجم
هالیوودی	مسئولیت حفاظت از جهان توسط نوادگان شیث	مسئولیت نجات حیوانات از طوفان	تردید حضرت برای کشتن نوه‌های دختریش و احساسات زنانه	رها کردن مأموریت الهی توسط حضرت نوح	منتقل کردن رسالت الهی به نوه‌های دختریش
قرآنی	دعوت حضرت نوح به توحید	تلاش برای هدایت افراد و عناد مشرکان با پیامبر	یاری خواستن حضرت نوح از خدا، غرق شدن کنعان و تعجب حضرت از این واقعه	معلوم شدن شرک کنعان توسط خداوند	نشستن کشتی برکوه جودی و دعای حضرت برای پدر و مادرشان و مؤمنین

منابع

۱. قرآن کریم.
۲. عهد عتیق (سفر پیدایش).
۳. ابن منظور، محمد بن مکرم، ۱۴۱۴، لسان العرب، بیروت، دار الفکر للطباعة و النشر و التوزیع - دار صادر، چاپ سوم.
۴. آقا بابایی، احسان؛ همتی، رضا (۱۳۹۵)، «پژوهش روایت، به مثابه یک روش تحقیق کیفی»، عیار پژوهش در علوم انسانی، شماره ۱۰.
۵. اسدی، بهزاد و سعید یزدانی، (۱۳۹۵) «یک فیلمساز کابالایی؛ شخصیت پردازی در سینمای دارن آرنوفسکی»، شباک، شماره ۴/۱۱ و ۴/۱۲.
۶. ترکمانی، حسینعلی؛ شکوری، محبتی؛ مهیمنی، مازیار، (۱۳۹۶) «تحلیل روایت شناختی سوره نوح عليه السلام بر مبنای دیدگاه رولان بارت و ژرار ژنت»، پژوهش‌های ادبی قرآنی، سال پنجم، شماره ۳.
۷. جزائری، نعمت الله بن عبدالله، ۱۳۸۰، داستان پیامبران یا قصه‌های قرآن از آدم تا خاتم، مترجم: عزیزی، یوسف، تهران، انتشارات هاد، چاپ اول.
۸. جزائری، مریم، (۱۳۹۴) «نقد فیلم نوح (۱)»، رشد آموزش قرآن و معارف اسلامی، شماره ۹۷.
۹. حسینی‌زاده، سید عبدالمجید، (۱۳۹۲)، «کشتی نوح در قرآن، تورات و روایات اسلامی و یهودی»، پژوهشنامه تفسیر و زبان قرآن، شماره ۳.
۱۰. حمدان عدنان، (۱۳۹۰)، فرهنگ جامع واژگان روابط عمومی، مدیر پروژه: مهدی باقریان، تهران، کارگزار روابط عمومی، چاپ اول.
۱۱. دهخدا، علی‌اکبر، (۱۳۷۷)، لغت نامه، دانشگاه تهران، چاپ دوم از دوره جدید، ج ۸.
۱۲. رزمجو، جمال، (۱۳۹۵)، «روایت‌شناسی و دانش تاریخ: تحلیل روایت‌شناسانه دو گزارش از رخداد سقیفه بنی‌ساعده»، جندی شاپور، سال دوم، شماره ۶.
۱۳. زرقی، علیرضا، «بازنمایی هالیوود از داستان انبیاء و مقایسه تطبیقی آن با آموزه‌های قرآن و عهد عتیق (با تأکید بر فیلم‌های «هجرت: خدایان و پادشاهان» و «نوح»)» پایان نامه دوره کارشناسی ارشد رشته علوم قرآنی و حدیث، سبزوار، دانشکده الهیات و معارف اسلامی دانشگاه حکیم سبزواری، ۱۳۹۶.
۱۴. فضایی، یوسف، (۱۳۵۶)، «طوفان نوح»، گوهر، شماره ۵۳.
۱۵. نژاد نجف، فیروز، (۱۳۸۴) «جستاری در سکولاریسم»، اشراق، شماره ۳ و ۲.
۱۶. مجیدی حسن؛ ویسی، الهه؛ اکبرزاده، لیلا، (۱۳۹۱) «تحلیل ساختاری داستان مریم مقدس به روایت قرآن کریم»، سراج منیر، شماره ۸.
۱۷. محمدپور، احمد، (۱۳۹۷)، ضد روش (زمینه‌های فلسفی و رویه‌های عملی در روش‌شناسی کیفی)، قم، لوگوس.
۱۸. معموری، علی، (۱۳۹۲)، تحلیل ساختار روایت در قرآن: بررسی توالی منطقی پیرفت‌ها، تهران، نگاه معاصر، چاپ اول.
۱۹. هداوند، مریم، «تحلیل عناصر داستان‌های کوتاه سوره هود»، پایان نامه دوره کارشناسی ارشد رشته علوم قرآنی و حدیث، تهران، دانشکده الهیات و معارف اسلامی دانشگاه علامه طباطبائی، ۱۳۹۵.
۲۰. نبی‌اللهی، علی (۱۳۹۰)، «شخصیت پردازی زن در قرآن»، حسنا، شماره ۱۱.

۲۱. ویلیام پادن، شعبانی پور، سمانه، (۱۳۸۸)، «مطالعه تطبیقی دین»، اطلاعات حکمت و معرفت، سال چهارم، شماره ۶.

۲۲. یاسینی، راضیه، (۱۳۹۳) «تصویر پردازی از سیمای پیامبران در سینمای هالیوود»، مطالعات فرهنگ-ارتباطات، سال پانزدهم، شماره ۲۶.

۲۳. <http://arc.irib.ir/papers/item/87092>.